



# مسیر جدید تربیت اقتصادی

محسن کیالاشکی

فائزه سادات ابراهیمی

دانشجوی دکتری مطالعات برنامه‌درسی

کارشناس ارشد کارآفرینی

یکی از ارجمندترین اقدامات در تاریخ نظام تعلیم و تربیت ایران، تهیه و تدوین مبانی نظری برای نظام آموزش و پرورش است، سندی با عنوان مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که در آن ضمن تعریف تربیت، برای تربیت همه‌جانبه یا تمام‌ساحتی شش‌جنبه یا ساحت تعریف شده است.<sup>۱</sup> از این رو، اگر فردی را در این شش جنبه تربیت کنیم، می‌توانیم ادعا کنیم فرد را در مسیر تربیت آرمائی و نیل به حیات طیبه قرار داده‌ایم. به بیان دیگر، تمامی اهداف آموزشی را در زمره این ساحت‌های شش‌گانه قرار داده‌ایم.<sup>۲</sup>

هنگامی که از تقویت روحیه تولید، تربیت شغلی، توانایی کسب حلال، حرفه‌آموزی، کار و فناوری، تربیت علمی، تقویت تفکر فناورانه و نظایر آن صحبت به میان می‌آید، توجه به سمت ساحت‌های تعلیم و تربیت علمی و فناورانه، و اقتصادی و حرفه‌ای معطوف می‌شود.

سال ۱۴۰۱ طبق فرمایش مقام معظم رهبری، با شعار «تولید، دانش‌بنیان، اشتغال آفرین» مفاهیم دانش‌بنیان و اشتغال آفرین را گوشزد می‌کند. برای تبیین ارتباط نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی با تقویت اشتغال آفرینی و دانش‌بنیانی پرسش‌هایی مطرح می‌شوند که از نظرگاه‌های مختلف به آن‌ها می‌پردازیم:

## نظرگاه اول

ساحت تعلیم و تربیت علمی و فناورانه که در ادبیات آموزش و پرورش دنیا به آموزش فناورانه<sup>۳</sup> شهره است، با ساحت تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای که در دنیا به آموزش فنی<sup>۴</sup> شناخته می‌شود، تمایزهایی دارد. این تمایزها با دقت به مفهوم فن آموزشی و فناوری بهتر آشکار می‌شود. جایی که آموختن فن (تکنیک) برای انجام یک کار، حرفه و شغل مشخص و دستیابی به مراتبی از کام‌جویی اقتصادی مطرح است و محور تعلیم و تربیت اقتصادی حرفه‌ای است و در جایی دیگر که فناوری (و نه فن آوری) مطرح است، یعنی به کاربردن یا حتی آفرینش فن یا فنونی خاص به فراخور مسئله. چرا که فناوری آوردن یک فن به‌خصوص و از پیش آموخته‌شده به موقعیت از پیش تعیین‌شده نیست؛ و گرنه املائی صحیح‌تر برای فن آوری بود.

## نظرگاه دوم

پرسش مطرح‌شده این است که آیا تربیت نیروی انسانی برای تولید دانش‌بنیان از وظایف آموزش عمومی است؟ در پاسخ به این پرسش، ابتدا به سراغ تعریف

مفهوم تولید دانش‌بنیان می‌رویم. در دانشنامه آزاد می‌خوانیم: «کالاها و خدمات مورد تأیید از نظر سطح فناوری باید در حوزه فناوری‌های بالا یا متوسط به بالا باشند و دانش فنی طراحی و ساخت نمونه آزمایشگاهی یا تولید محصول دارای پیچیدگی فنی باشد.» این تعریف نشان می‌دهد، دست‌کم در پایان دوره آموزش عمومی و دوازده‌ساله نمی‌توان و نباید انتظار نیل به کسب‌وکار دانش‌بنیان داشت و تربیت نیروی انسانی فعال در تولید دانش‌بنیان را باید به آموزش عالی و مراحل بالاتر تخصصی واگذار کرد؛ اما در یک رویکرد مسئولانه می‌توان فراهم کردن استلزامات این تربیت را از رسالت‌های آموزش عمومی دانست.

به نظر می‌رسد برای تربیت نیروی انسانی دخیل در تولید دانش‌بنیان به تربیت انسان‌هایی فناور نیازمندیم و نه انسان‌هایی فن‌ورز و فنی. از این رو، در جمع‌بندی این پرسش باید گفت، اگرچه تربیت نیروی انسانی دانش‌بنیان به‌طور مستقیم بر عهده آموزش عالی است و نه



آموزش عمومی، اما برای عمل به رسالت تربیت انسان‌هایی برای نظام آموزش عالی در آموزش رسمی عمومی، تربیت فناورانه بر محوریت ساحت علمی و فناورانه، می‌تواند در تولید دانش‌بنیان نقش مؤثرتری ایفا کند.

اما شاید اشتغال‌آفرینی به رسالت‌های آموزش عمومی (به‌ویژه در آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای و کاردانش) بسیار نزدیک‌تر باشد. چراکه در تعریف اشتغال‌آفرینی در دانشنامه آزاد می‌خوانیم: «ایجاد شغل<sup>۵</sup> برای بیکاران از طریق استخدام کارگران و کارمندان بیشتر یا ایجاد واحدهای تولیدی، اداری یا خدماتی بیشتر».

سؤال دیگر اینکه برای انجام رسالت اشتغال‌زایی، آموزش یک حرفه مشخص و تربیت تخصصی بر محور ساحت تعلیم‌وتربیت اقتصادی و حرفه‌ای کارآمدتر است یا تربیت مجموعه‌ای از فنون و مهارت‌ها و ایجاد آمادگی برای دریافت آموزش‌های کوتاه‌مدت شغلی- حرفه‌ای پس از پایان دوره آموزش عمومی بر محور ساحت تعلیم‌وتربیت علمی و فناورانه؟ در پاسخ به این سؤال، دیدگاه‌های متعدد و گاه متضادی مطرح‌شده‌اند. برخی با استناد به قوانین و اسناد نظیر ماده ۳ قانون اهداف و وظایف آموزش‌وپرورش<sup>۶</sup> و ماده ۲ بند ۵ قانون نظام جامع آموزش و تربیت فنی، حرفه‌ای و مهارتی<sup>۷</sup>، به دفاع از ساختار کنونی آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای می‌پردازند و تغییر محور تعلیم‌وتربیت را بر نمی‌تابند.

از سوی دیگر، منتقدانی بر محوریت تعلیم‌وتربیت اقتصادی و حرفه‌ای و ساختار کنونی آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای تاخته‌اند که خلاصه نقد آن‌ها در سه دلیل خلاصه می‌شود:

دلیل اول: نظام آموزش‌وپرورش و وظیفه تربیت عمومی و شهروندی را به‌عنوان وظیفه و هدف اصلی بر عهده دارد و تا زمانی که به آن هدف جامعه عمل نپوشانده، سزاوار نیست به اهداف دیگر نظیر تربیت حرفه‌ای و تخصصی شغلی بپردازد.

دلیل دوم: آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای باوجود هزینه‌های زیاد در تأمین نیروی کار موردنیاز بازار کار، چندان توفیقی نداشته و آن‌چنان‌که باید برای کشور مفید نبوده‌اند.<sup>۸</sup>

دلیل سوم: بازار کار در عصر کنونی، به دلیل پیوند بسیار با فناوری و در هم تنیدگی با تحولات این عرصه، به‌شدت

پویا و سریع‌التغییر است و آموزش‌های رسمی به علت سکون ذاتی، توان تطابق خود با نیازهای پی‌درپی نو‌شونده بازار کار را ندارند. بنابراین بهتر است از داعیه تربیت کارگر ماهر، متخصص شغلی یا هر هدف دیگری که گویای تربیت افراد برای حرفه یا شغل خاص باشد، دست بردارند.

### سخن پایانی

با مراجعه دوباره به دو پرسش مطرح‌شده، به نظر می‌رسد سهم آموزش‌های رسمی عمومی و مدرسه‌ای در اشتغال‌آفرینی بیش از دانش‌بنیانی بودن تولید است؛ اگرچه آموزش عمومی در تولید دانش‌بنیان نیز برای خود رسالتی متصور است که در پرتو تربیت علمی و فناورانه بهتر تحقق خواهد یافت. در بحث اشتغال‌آفرینی نیز، تجربه و آسیب‌شناسی‌های گذشته نشان می‌دهد، تربیت بر محور تربیت اقتصادی و حرفه‌ای توفیق مورد انتظار را به دست نیاورده و لزوم یک تغییر بر محوریت تربیت علمی و فناورانه احساس می‌شود. جمیع این پاسخ‌ها ما را به تفکر جدی‌تر پیرامون تربیت علمی و فناورانه وا می‌دارد. شاید راه برون‌رفت از وضعیت کنونی، جایی در حوالی همین راه‌حل باشد.

### پی‌نوشت‌ها

۱. این شش ساحت عبارت‌اند از: ۱. ساحت تربیتی اعتقادی، عبادی و اخلاقی؛ ۲. ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای؛ ۳. ساحت تربیت علمی و فناورانه؛ ۴. ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی؛ ۵. ساحت تربیت زیستی بدنی؛ ۶. ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری.
۲. برخی معتقدند، ساحت تربیت فضای مجازی و رقمی نیز در آینده نزدیک موضوعیت جداگانه‌ای خواهد یافت.
3. Technological Education
4. Technical Education
5. Job Creation
۶. آموزش علمی‌عملی (فنی‌وحرفه‌ای) عبارت است از آموزش‌هایی که فرد را بر مبنای تعلیم مهارت‌هایی که جنبه کاربردی و عملی دارد، برای احراز شغل یا حرفه‌ای معین آماده می‌سازند یا بر کارایی و توانایی افراد شاغل به فنون و حرفه‌ها می‌افزایند.
۷. آموزش و تربیت فنی‌وحرفه‌ای و مهارتی رسمی: آموزشی است که برای کسب شایستگی‌های حرفه‌ای و شغلی از دوره متوسطه نظام آموزشی و بالاتر توسط وزارت آموزش‌وپرورش و مؤسسات آموزش عالی از قبیل دانشگاه فنی‌وحرفه‌ای، دانشگاه جامع علمی کاربردی و دانشگاه آزاد اسلامی ارائه و به اخذ مدرک تحصیلی و حرفه‌ای مربوط منجر می‌شود. اتمام موفقیت‌آمیز هر سطح به همراه تجربه‌های واقعی دنیای کار مجوز ورود به سطح بعدی آموزش‌هاست.
۸. طبق گزارش پژوهشگاه مطالعات آموزش‌وپرورش (چکیده پژوهش‌های فنی‌وحرفه‌ای، جلد ششم ۱۳۹۴)، نرخ بی‌کاری در میان فارغ‌التحصیلان شاخه نظری و شاخه فنی و مهارتی چندان متفاوت نیست. (در پژوهشی، البته با نمونه آماری محدود، نرخ بیکاری دانش‌آموزان شاخه نظری ۸۷٫۵ درصد و همین نرخ برای هنرجویان شاخه کاردانش ۸۵٫۷ درصد برآورد شده است).

